سرمقاله

خلق یک حماسه و عکس العمل دولت

محمدرضا هویدا

حضور ده ها هزار شهروند افغان از ولایات، اقوام، زبانها و سمت های مختلف کشور در تظاهرات بزرگ دیروز، نقطه عطفی در تاریخ مبارزات سیاسی و اجتماعی کشور بود. به نکات ذیل می توان به طور خلاصه اشاره کرد:

– دیری نمی گذرد از زمانی که چنین جمعیت هایی با شرکت کنندگان دیروزی در کمپاین های انتخاباتی با وجود تمام تهدیدها به میدان رفته بودند و برای انتخاب شدن تیم های انتخاباتی که امروز قدرت ریاست جمهوری و اجرائیه را به دست دارند، شعار می دادند و عرق می ریختند و حتا از دادن جان و اعضای بدن شان نیز ترس به خود راه ندادند. ریاست جمهوری و اجرائیه خود از افتخارات و فداکاری رای دهندگان خاطره گفته اند.

– از آغاز حکومت وحدت ملی، مشکلات شدید و کمر شکن افغانستان نیز شروع شده است. جنگ به شمال کشور کشیده شده و ولسوالی ها و حتا ولایت هایی سقوط کرده و به دست طالبان افتاده است. اما دولت نه تدابیر پیشگیرانه ای داشته و نه عکس العمل جدی و قوی بعد از حملات طالبان. نتیجه آن فاجعه کندز و بدخشان و ... در نقاط مختلف شمال کشور می باشد.

– تلاش شدیدی برای ناامن سازی مناطق مرکزی و وارد ساختن این مناطق و مردم به جنگ، از سوی دشمنان افغانستان جریان داشته و دارد. مهمترین ابزاری که برای رسیدن به این هدف از سوی طالبان روی دست گرفته شده است، گروگان گیری از راه ها و شاهراه های کشور بوده است.

– مطالبات مردم برای رسیدگی به اوضاع نابسامان امنیتی در مناطق شان، و رهایی اسرای شان از نزد تروریست ها برای ماه ها بی نتیجه باقی ماند. در خصوص قضیه زابل، به فاجعه ای تمام عیار منتهی شد. تروریست ها هفت تن را که در میان آنها یک دختر ۹ ساله و زنان نیز بودند، با بی رحمی تمام، سر بریدید.

ناامیدی و یاس مردم از حکومتی که شعار را بر عمل ترجیح می دهد و دولتمردان آن در پشت شعارهای زیبا پنهان می شوند و به مردم باغ های سرخ و سبز نشان می دهد، به اشکال مختلف تبارز پیدا کرده است. یکی از اشکال آن، به شکل دادخواهانه ای که در روز گذشته اتفاق افتاد. روز گذشته تمامی غم ها و اندوه و شکست ها و ناامیدی های مردم افغانستان در قالب یک تظاهرات کاملا مسالمت آمیز و مردمی تجلی پیدا کرد و ده ها هزار انسان با تجمع در مقابل ارگ ریاست جمهوری که مرکز قدرت و اقتدار کشور است، از دولتمردان خواستار رسیدگی به خواسته های مشروع شان شدند. رسیدگی به این خواسته ها، اصولا باید ابتدا از سوی دولت می بود، بدون اینکه مردم درخواست کنند. اما دولت برای رسیدگی به خواسته های مردم، به چانه زنی پرداخته و به راحتی حاضر نشده که حتا با مردم از سر تواضع صحبت کند. صحبت های پایانی که نمایندگان با دولتمردان داشتند، ناامید کننده بود.

درست است که مردم باید وضعیت امنیتی کشور را درک کنند ولی دولتمردان نیز باید وضعیت کشور و مردم را درک کنند. درکی متقابل که به بهبودی و امنیت پایدار و ثبات در کشور بیانجامد. دولت باید قبول کند که این وضعیت نتیجه کارکرد و عملکرد دولتمردان است که بدون برنامه و طرح عملی و کارآمد وارد میدان سیاست شده اند. دولتی که نتوانسته است تا هنوز وزیر دفاع خود را مشخص بسازد و بیش از یک سال مهمترین وزارت امنیتی و دفاعی کشور را با سرپرست اداره می کند، چگونه می تواند انتظار داشته باشد که خانواده های شهدا و مردم توجیهات آنها را بپیذیرند.

تظاهرات روز گذشته به معنای واقعی آن یک حماسه بود، و دولت باید مدیون مردم باشد که ده ها هزار در خیابان ریختند و در آرامش و نظم و انضباط و احترام خواسته های مشروع شان را فریاد کردند. دولت می بایست به احترام به این رفتار مدنی شایسته با احترام و خضوع به خواسته های آنان تن در دهد و ارج بگذارد.

ابعاد و زوایایِ حرکت بزرگ عدالت طلبی در کابل

عبدالرحمن فهیمی

سربریدن هفت گروگان به شمول مردان، زنان و دو کودک بی گناه توسط تروریست های بی رحم در ولایت زابل، موجی را در کابل و در سرتاسر کشور خلق کرد. روز گذشته مردم حرکت بزرگ مدنی را در کابل راه اندازی کرده و با سردادن شعارهای عدالت طلبی از جادهٔ «استاد شهید عبدالعلی مزاری» تا پیش روی ارگ ریاست جمهوری راهپیمایی کردند. این حرکت بزرگ مردمی، در نوع خود بی نظیر و بی پیشینه می نماید و لازم است درنگی داشته باشیم. این نگارش نقطه های مثبت و منفی یا نقطه های قوت و ضعف این راهپیمایی کلان ملی را بررسی می نماید.

نقطه های مثبت

یکم: اعتراض پرشور، مدنی و مسالمت آمیز:

جمعیت بزرگ از مردم گردهم آمده بودند. با این که از سوی رسانه های همگانی، زمان برگزاری راهپیمایی را همرسانی نکردند، اما با استفاده از شبکه های اجتماعی چون فس بوک، مردم در جریان قرار گرفته بودند. خون مردم به جوش آمده بود و با تعطیل کار و وظایف به صف تظاهرات کنندگان پیوستند. این حرکت، حکایت گر این است که مردم به دموکراسی و قواعد طرح خواسته های سیاسی در متن این فضای سیاسی آشنایی داشته و می دانند که در نظام دموکراتیک حکومت از آن مردم است و مردم حق دارند از حکومت گران پرسان نمایند.

با توجه به این که وضعیت امنیتی کشور، به صورت کلی بحرانی است، نگرانی های وجود داشت که مبادا تظاهرات مردمی و حرکت بزرگ «عدالت طلبی» به چالش کشیده شده و برخی از «غرض» داران سیاسی به ویژه حلقه های تروریستی حرکت را از مسیر اصلی اش منحرف نمایند. اما خوشبختانه این اتفاق ناگوار نیفتاد و تظاهرات کنندگان با قوت تمام و با حفظ جنبهٔ مسالمت آمیزی تا مقصد حرکت کردند.

دوم: هم صدایی همهٔ مردم

همهٔ قربانیان از قوم هزاره از مربوطات ولسوالی جاغوری ولایت غزنی بودند. در آغاز تصور می شد که تنها هزاره ها به جادهٔ اعتراض آمده و صدای شان را در برابر ترور، وحشت، ظلم و نابرابری بلند کنند. آن گونه که این امر در شبکه های اجتماعی مشاهده می شد. اما شهریان کابل با حضور در راهپیمایی، نشان دادند که بدون در نظرگرفتن مسایل قومی و مذهبی و با توجه به منافع کلان کشور و کلیت مردم، در برابر نابه سامانی ها مبارزه می کنند. دیروز مردم از همهٔ قومیت ها و نژادها به صفوف تظاهرات کنندگان پیوسته و همه با یک صدا در برابر ترور و وحشت فریاد کشیدند. باشندگان ولایت زابل، با برگزاری یک راهپیمایی خواستار سرکوب حلقه های تروریستی از این منطقه شدند و قرار گزارش ها شمار زیاد از مردمان ولایت های همجوار کابل می خواستند در تظاهرات شرکت نمایند که با ممانعت نیروهای امنیتی رو به رو شدند. این امر نقطهٔ عطف در سیاست کشور خواهد بود. مردم نشان دادند که فریب نفاق افگنان را نمی خورند و زین پس کشتن و سربریدن هزاره به معنای کشتن و سربریدن پشتون، تاجیک، ازبک، ایماق و..... خواهد بود. به هرصورت از این نگاه، نمایش خوبی بوده و گام بلند در راستای ملت سازی شمرده می شود.

سوم: همکاری نیروهای امنیتی

نیروهای پولیس همکاری خوبی با مردم و تظاهرات کنندگان داشتند. تنها نقطهٔ ضعف که از سوی پولیس گزارش شد این بود که از ورود افراد بیشتر به صف تظاهرات کنندگان ممانعت کرده است. این رفتار ممکن است، جهت تامین امنیت و پیش گیری از ورود افراد مسلح تروریستی بوده یا به دستور حکومت. از این که بگذریم کار کرد پولیس خوب بود. امید می رود که پولیس کشور به سمت پولیس بی طرف و غیر سیاسی گام بردارد. پولیس که تنها نگرانی اش امنیت مردم بوده و به سیاست و بازی های سیاسی دخیل نشود و نیز ابزاری برای سرکوب صداهای عدالت خواهانه و آزادی خواهانهٔ مردم نشود.

نقطه های منفی

چهارم: بی نظمی و ناهم آهنگی های نسبی بدون تردید که تلاش های جدی صورت گرفته بود. اما ناهم آهنگی ها و بی نظمی های به چشم می آمد. در آغاز حرکت، از مصلی شهید مزاری، بلندگوی درست وجود نداشت تا صدای فریاد زنان را به مردم منتقل کند، درگیری های میان برگزار کنندگان برسر این که کی ها شعارها را فریاد بزنند صورت گرفت و شعارهای متفاوت داده می شد. یکی از شعارهای که داده می شد، خواستار کناره گیری استاد محمد کریم خلیلی بود. این در حال است که جناب ایشان یک سال می شود، سمت حکومتی ندارد و خانه نشین است. این امر نشان می دهد که هم آهنگی در تنظیم شعارها وجود نداشت و هر شرکت کننده طبق برداشت ها و آگاهی های خود فریاد می زد.

پنجم: استفاده جویی های ریاکارانه

قرار گرفتن در معرض دوربین های رسانه ها و گرفتن عکس های فس بوکی به آرمان و آرزوهای برخی ها مبدل شده است. یک بار در مراسم تشییع پیکرهای شهیدان جلریز یکی از متنفذین اجتماعی به علت گرفتن عکس فس بوکی محکوم شد. دیروز نیز برخی ها متاسفانه شرکت در تظاهرات برای شان یک خاطره می نمود و مرتب عکس های شان در فس بوک می گذاشتند. مخالفت با رسانه های اجتماعی درست و منطقی نبوده و این شبکه ها ابزاری مؤثر اطلاع رسانی و جهت دهی مردم است، اما ریاکاری بیش از حد نیز مطلوب نبوده و می تواند توهین به خون شهیدان و جان باختگان تلقی گردد.

ششم: بی اهمیتی ارگ

تظاهرات کنندگان با حفظ آرامش و دوری از خشونت و آشوب خود را پیش روی ارگ به عنوان مرکز تصمیم سازی کشور رسانیدند. برای ارگ وقت و زمان مشخص کردند تا پاسخ خواسته های شان داده شود. اما ارگ نشینان بی نهایت بی اهمیتی کردند و می کنند. رییس جمهورغنی به عوض این که آمده و به صورت مستقیم با تظاهرات کنندگان سخن گوید و اطمینان های لازم را بدان ها بدهد، یک بیانیه تلویزیونی صادر کرد، در میان اتاق های مجلل و حفاظت شدهٔ ارگ مخفی شد و به گارد ریاست جمهوری دستور داد که هرکس که قصد داخل شدن کرد با گلوله پاسخ دهید.

گیریم که اصرار معترضان جهت داخل شدن در ارگ خواست منطقی نبوده است، اما آیا بی اهمیتی جناب سبب این امر نشده است؟. از سوی دیگر اگر ارادهٔ وجود نداشت که به خواست های مردم اهمیت داده شده و با آن ها سخن زده شود، آیا با واسطه های آب پاش و گازهای اشک آور نمی توان معترضان را از محل دور کرد؟ و در نهایت آیا بسنده کردن به یک بیانیهٔ تلویزیونی مردم را آرام می کند و بی حرمتی به آن ها نیست؟ آن ها در خانه های خود ننشسته بودند که شما بیانیه می دهید؟ آن ها پیش روی قصر شما آمده بودند.

قمار روسیه در سوریه

نویسنده: آلکسی ماناچنکو/ ترجمه: شهباز نخعی/قسمت اول

ارتش روسیه به آوردگاه روسیه گام نهاده است تا ضمن دفاع از منافع سوق الجیشی، پایبندی خود را به همپیمانی های منطقه نشان دهد. پرزیدنت "ولادیمیر پوتین" با تأکید مجدد بر همکاری دیرینه با رژیم آقای "بشار اسد" امیدوار است بتواند در پویش پیکربندی دوباره [مناسبت قدرت در] خاورمیانه وزن و وقر بیشتری یابد. اما با اینکار خطر بر ملا کردن محدودیت های قدرت روسیه را نیز به جان می خرد.

تاخت و تاز جنگنده های "سوخوی" «۳۴ ــ SU» در آسمان خاور میانه و پرتاب موشک های دوربرد "Kalibr" از دریای خزر، موازنه قدرت را در میدان جنگ سوریه ــ دستکم موقتاً ــ تغییر داده اند. شدت این بمباران ها، راه را برای از سرگیری تهاجم سپاهیان دولتی گشودند. پشتیبانی تاکتیکی آقای "ولادیمیر پوتین" از آقای "بشار اسد" کاملا هم جای شگفتی ندارد: سوریه واپسین مرده ریگ بازمانده از حضور روسیه در خاور میانه است، نماد عظمتی که حالا دیگر سپری شده. پشتیبانی دائم "کرملین" از رژیم مستقر در سوریه، روسیه را به خصوص در تابستان ۲۰۱۳ به ایفای نقش سرنوشت سازی در سازماندهی تخریب زرادخانه شیمیائی آن کشور کشاند تا از مداخله [نظامی] غرب بپرهیزد. این اقدام روسیه تصور کسانی را نقش بر آب کرد که می انگاشتند این کشور فراتر از فضائی که پس از دوران اتحاد شوروی برایش مانده منافعی در جای دیگری ندارد و مدعی گنجاندن روسیه در صف «قدرت های منطقه ای» ساده ای بودند.

سوریه از زمان امضای نخستین قراردادهای تسلیحاتی خود در سال ۱۹۵۶، روابط بسیار تنگاتنگی را با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی برجای می داشت، که با همپیمانیش با مصر و تشکیل "جمهوری متحده عربی" (که از ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱ دوام آورد)، و سپس آغاز زمامداری حزب "بعث" در سال ۱۹۶۳ که «سوسیالیسم عرب» را موعظه می کرد، استواری بیشتری هم یافت. در سال ۲۰۰۰، پرزیدنت "حافظ اسد" در وصیتی به پسرش "بشار" سفارش کرده بود که برای حفظ قبیله اش در رأس کشور به این پیوند بنیادین پایبند ماند.

از آنسو، در پی واژگونگی همپیمانی با مصر و از دست رفتن تأسیسات "اسکندریه" و "مرسی مطروح" در سال ۱۹۷۱، ناگزیر بندر سوری "طرطوس" یگانه لنگرگاه ناوهای روسی شد که مدیترانه را درمی نوردیدند. در ماه های اخیر، بر رفت و آمد این ناوها در آب های عمیق مشرف بر سواحل سوریه افزوده شده؛ و حتی در ماه سپتامبر، حضور زیر دریائی اتمی "Dmitri Donskoï" از رسته تسلیحاتی "Typhoon" (۲) به چشم می خورد، که بزرگترین زیردریائی اژدر افکنی است که تا به حال ساخته اند. از آغاز نهضت موسوم به «بهار عرب»، روسیه بر کمک های خود به سوریه افزود. با سرنگونی رژیم های تونس، مصر، لیبی، و سپس از هم پاشی عراق که پیدایش سازمان خلافت اسلامی را در سال ۲۰۱۴ در پی داشت، مسکو یقین یافت که باید پای حمایت خود از آقای "اسد" بایستد و مواضع خود را در منطقه استوار سازد. بی ثباتی فراگیر و رویکرد کمتر خوانای سیاست غرب و در وهله نخست ایالات متحده، نیز برخی دولت ها را برآن داشته تا شریکان خود را متنوع سازند. فرانسه محموله مهمی سلاح به کشورهای [عرب] خلیج [فارس] فروخته؛ و روسیه هم تازگی ها قراردادهای اقتصادی، نظامی، و فنی با مصر، عراق، و اردن امضا کرده است. عربستان سعودی دیگر تردید نمی کند که هزینه سلاح های روسی را بپردازد که مصر می خرد. در ابتدای ماه ژوئیه نیز صندوق مالی دولتی سعودی تصمیم گرفت۱۰ میلیارد دلار در روسیه سرمایه گذاری کند .

چندین تن از رهبران سیاسی و افسران عرب اندوه وحسرت خویش را از سپری شدن دوران فرمانروائی "جمال عبدالناصر"، رئیس جمهور مصر در سال های ۱۹۶۰ ــ ۱۹۵۰، به میان آورده بودند، یعنی وقتی که رقابت عقیدتی میان اتحاد جماهیر شوروی و غرب مفر مانوری [برای بهره گیری از این یا آن قطب] به عرب ها وا می گذاشت. وانگهی تصادفی نبود که آقای "عبدالفتاح السیسی" رئیس جمهور کنونی مصر، هنگام کارزار انتخاباتی خود در سال ۲۰۱۴ از سَلَف برجسته خود [ناصر،] با کلمات ستایش انگیزی یاد می کرد. آقای "پوتین" بسیار زود و بدون دغدغه خاطر یا عذاب وجدانی با نهادن داو خویش بر مرد قدرتمند قاهره ــ که زمامداران روسی بار دیگر در پایان ماه اگست ۲۰۱۵ در مسکو به حضور پذیرفتند ــ رشته های پیوند دیرین را باز گره زد که به وی فرصت داد تا توافقنامه فروش تسلیحاتی را به مبلغ ۳ میلیارد دلار امضا کند.

چنانکه از سخنرانی آقای "پوتین" در ۲۸ سپتامبر در برابر مجمع عمومی سازمان ملل متحد بر می آمد، روسیه امیدوار است با پناه گرفتن پشت سپر حقوق بین الملل، نفوذ خود را استحکام بخشد. او پیشنهاد کرد که با راهکار قطعنامه ای «اقدام تمام دولت هائی را» هماهنگ سازد «که به رویاروئی با "خلافت اسلامی" به پا خاسته اند»: «ناگفته پیداست که همه کمک ها به دولت های مستقل را نباید تحمیل بلکه پیشنهاد کرد، و اینهمه با رعایت اکید منشور ملل متحد. به عقیده من، مهمترین امر بر عهده گرفتن سهمی در استقرار مجدد ساختارهای دولتی در لیبی، پشتیبانی از دولت جدید عراق و ارائه کمک چند جانبه ای به دولت برحق سوریه است.»

روسیه بدون ادعای بازیابی جایگاهی که اتحاد شوروی در مناسبات بین المللی داشت، به خاور میانه باز می گردد. اما باید با تعارض نمایانی نیز روبرو گردد. از یک سو آقای "اسد" از محبوبیت چندانی در میان بسیاری از کشورهای عرب بی بهره است و این همپیمانی ناگزیر روسیه را، در یک رویاروئی منطقه ای، عملاً در کنار ایران، حزب الله لبنان و شبه نظامیان شیعه عراق می نشاند که مخالفان سُنی کیش آنها هر روز بیشتر چون تقابلی مذهبی می نمایانند. اما از سوی دیگر، اگر آقای "پوتین" مایل است قدرت و ظرفیت شتافتن به کمک دوستان خود را به افکار عمومی روسیه و شرکای منطقه ای خود، به یک اندازه، بنمایاند، نمی تواند با «وانهادن» آقای "اسد" ضعفی از خود نشان دهد.

کارتون روز

روزنامهٔ افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan
Daily Outlook AFGHANISTAN

صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳٤۱۸٦۱
سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱
کاریکاتوریست: خالق علی زاده
دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر V- ۱۳۷

روزنامهٔ افغانستان از همهٔ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدهٔ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.